

■ کارشناسان روابط خاورمیانه و چین معتقدند در صورت «جنگ سرد» میان آمریکا و چین، کشورهای حوزه خلیج فارس اولین طرف‌هایی هستند که تحت تأثیر آن قرار خواهند گرفت.

ماهیت تعاملات چین و ایالات متحده به عنوان ۲ قدرت بزرگ جهانی که از یک سو زمانی شرکای مالی و اقتصادی بودند و از سوی دیگر به عنوان ۲ رقیب اقتصادی و ژئوپلیتیک به نوعی دشمن هم محسوب می‌شوند، ساختار پیچیده‌ای دارد. اما این مناسبات بعد از روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری سابق آمریکا در کاخ سفید وارد مرحله‌ای از اصطکاک و تنش و حتی تبادل تهدیدات دوجانبه شد که این رویکرد بعد از تغییر دولت در آمریکا و آغاز دوره ریاست جمهوری «جو بایدن» نیز تغییر چندانی نکرده؛ با این تفاوت که تمرکز و توجه واشنگتن به سمت پکن در این دوره به شکل قابل توجهی تشدید شده است.

استراتژی متفاوت چین و آمریکا برای نفوذ به خاورمیانه

استراتژی و ساز و کار سیاست خارجی آمریکا و چین برای کسب دستاوردها و منافع بیشتر با یکدیگر متفاوت است؛ اما می‌توان گفت که هر دو طرف در پرونده‌های خارجی مهم همچون خاورمیانه یک هدف را دنبال می‌کنند که نفوذ در این منطقه می‌باشد. به این صورت که چین همواره تلاش کرده نفوذ خود در سراسر جهان را با روش‌های تجاری و از دورازه اقتصاد تثبیت کند؛ اما ایالات متحده در راستای رسیدن به این هدف به رویکرد نظامی و امنیتی تکیه دارد.

خاورمیانه به دلیل موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیک چه برای واشنگتن و چه پکن اهمیت بالایی دارد که این اهمیت برای آمریکا به دلیل تلاش برای محافظت از منافع رژیم صهیونیستی در منطقه و از سوی دیگر قدرت روزافزون محور مقاومت به رهبری ایران، از نظر سیاسی و امنیتی قابل بررسی است.

اما چین به دلیل وجود منابع غنی نفت و گاز و منابع طبیعی دیگر در خاورمیانه، این منطقه را بستر مناسبی برای نفوذ و نیز برقراری روابط تجاری دوجانبه با کشورهای مختلف آن می‌بیند. در این بین و درحالی که بایدن بارها اعلام کرده سیاست دولت وی در آسیا از غرب این قاره معطوف به شرق آن شده و قصد دارد با خروج تدریجی از کشورهای عراق و سوریه و کل منطقه، تلاش‌های خود را متمرکز به تقابل با چین کند، پکن جای خالی واشنگتن در خاورمیانه را عرصه مناسبی برای تثبیت هژمونی اقتصادی خود در این منطقه می‌بیند؛ همانند اتفاقاتی که در سوریه در حال رخ دادن است.

خروج آمریکا و فرصت بزرگ چین برای ورود به بازار منطقه

درحالی که آمریکا هنوز به شکل رسمی خروج خود از سوریه را اعلام نکرده، اما چین به دنبال امضای قراردادهای بزرگ با دمشق و ورود به بازار اقتصاد این کشور است. در همین راستا «وانگ پی» وزیر امور خارجه چین اواسط جولای سال جاری میلادی همزمان با برگزاری مراسم تحلیف «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه به این کشور سفر و چندین قرارداد همکاری با دولت دمشق امضا کرد. تحریم‌های درج شده در «قانون سزار» آمریکا ضد سوریه نیز انگیزه خوبی برای افزایش مناسبات اقتصادی دمشق و پکن محسوب می‌شود.

سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس در «جنگ سرد» آمریکا و چین / آیا کشورهای عربی منطقه به سمت راهبرد "نگاه به شرق" می‌روند؟

پیشرفت چشمگیر روابط پکن با هم‌پیمانان واشنگتن

حتی نفوذ تدریجی چین در خاورمیانه را می‌توان در کشورهای هم‌پیمان آمریکا همچون امارات و عربستان سعودی نیز مشاهده کرد. پکن بزرگترین واردکننده نفت سعودی است به همین خاطر هم چینی‌ها بزرگترین شریک تجاری عربستان سعودی به حساب می‌آیند. چین به سرعت به یکی از مصرف‌کنندگان عمده نفت سعودی تبدیل شد و عربستان سعودی به طور مداوم بیشتر از هر کشور دیگری انرژی بیشتری را در اختیار چین قرار داده است. با رشد تجارت بین دو طرف به تدریج، عربستان سعودی نیز به توسعه گفتگوهای سطح بالا با پکن علاقه نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۹ در جریان سفر «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی به چین توافق نامه‌ای برای ساخت مجتمع پالایش و پتروشیمی در استان لیائونینگ به عنوان سرمایه‌گذاری مشترک عربستان سعودی و چین به امضا رسید. علاوه بر آن از سال گذشته آموزش زبان چینی در مدارس سعودی به عنوان زبان دوم آغاز شده است.

سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس در «جنگ سرد» آمریکا و چین / آیا کشورهای عربی منطقه به سمت راهبرد "نگاه به شرق" می‌روند؟

محمد بن سلمان در مصاحبه اخیر خود گفت: امروز چین اعلام کرد که شریک استراتژیک عربستان است، همانند روسیه و هند. البته ایالات متحده نیز همچنان شریک استراتژیک عربستان است؛ اما ما منافع خود را با همه تقویت می‌کنیم. آمریکا در دهه ۵۰ نیمی از اقتصاد جهان را در دست داشت اما این مقدار اکنون به ۲۰ درصد رسیده است.

اما نفوذ اقتصادی چین در امارات شاید بارزتر از سایر کشورهای عربی باشد. در این راستا می‌توان به هزاران شرکت چینی فعال در امارات متحده عربی، ده‌ها هزار چینی مشغول به کار در دبی، تصاحب بخش بزرگی از تجارت دریایی چین از سوی بنادر امارات و همکاری گسترده در مبارزه با اپیدمی کرونا و خرید تجهیزات حفاظتی شخصی برای «محمد بن زاید» ولیعهد ابوظبی از چین اشاره کرد.

سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس در «جنگ سرد» آمریکا و چین / آیا کشورهای عربی منطقه به سمت راهبرد "نگاه به شرق" می‌روند؟

از طرف دیگر چشم‌اندازهای اقتصادی شیخ‌نشینان خلیج فارس همچون چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و قطر و بحرین، چشم‌انداز ۲۰۲۱ امارات، چشم‌انداز ۲۰۳۵ کویت و چشم‌انداز ۲۰۴۰ عمان هم‌زمان با رقابت اقتصادی یکن و واشنگتن در حال اجراست که در سایه تحرکات اقتصادی گسترده چین در کشورهای مذکور و همچنین با توجه به پیشرفت قابل توجه این کشور در زمینه تکنولوژی و هوش مصنوعی و فناوری، اعراب، یکن را مقصد مناسبی برای سرمایه‌گذاری در چشم‌اندازهای خود ببینند.

چین در یک سال گذشته به شکل صریح‌تر از فیلیپین حمایت کرده، از صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه دولت میانمار جلوگیری کرد و در عین حال مناسبات استراتژیک خود با پاکستان را توسعه داده و اخیراً نیز قرارداد ۲۵ ساله خود با ایران را علنی کرده است. در واقع در واکنش به سیاست‌های آمریکا مبنی بر یارگیری از دولت‌های منطقه برای مقابله با سیاست‌های چین، دولت یکن نیز به اقدام مشابه متوسل شده و به دنبال یارگیری‌های استراتژیک برای خود در رقابت با آمریکا برآمده است. به این خاطر باید گفت که معادلات سیاسی قدرت در حال ریشه گرفتن در شرق آسیاست و در سال‌های پیش رو، شرق آسیا کانون منازعه و رقابت میان قدرت‌های بزرگ خواهد بود.

چشم‌انداز جنگ سرد آمریکا و چین و سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس

علاوه بر این دولت چین در کنار یارگیری میان کشورها متعهد به تقویت ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی خود است. در این بین از یک سال گذشته که اقتصاد کشورهای مختلف و از جمله اقتصاد آمریکا به دلیل شیوع اپیدمی کرونا آسیب دیده، اقتصاد چین در حال رشد بوده است. همچنین این کشور اقداماتی را در عرصه ساخت ناوهای هواپیمابر و توسعه نفوذ خود در دریای جنوبی چین آغاز کرده است.

سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس در «جنگ سرد» آمریکا و چین / آیا کشورهای عربی منطقه به سمت راهبرد "نگاه به شرق" می‌روند؟

بر همین اساس، به نظر می‌رسد به شکلی سریع پازل‌های رقابت استراتژیک میان چین و ایالات متحده آمریکا در حال چیده شدن است و دنیا همانند دوران جنگ سرد شاهد رقابتی جدید میان آمریکا و چین است و در عین حال همانگونه که رقابت‌های آمریکا و شوروی کل دنیا را تحت تاثیر خود قرار داد، رقابت‌های آمریکا و چین نیز می‌تواند منافع و امنیت بسیاری از کشورها را تحت تاثیر خود قرار دهد.

کشورهای حوزه خلیج فارس که عمده متحدان خاورمیانه‌ای ایالات متحده هستند، جزء اولین طرف‌های متأثر از رقابت واشنگتن و یکن و یا جنگ سرد میان دو طرف خواهند بود؛ به ویژه بعد از خروج غیرمنتظره آمریکایی‌ها از افغانستان و اتفاقاتی که در این کشور افتاد، هم‌پیمانان منطقه‌ای ایالات متحده در وضعیت از سردرگمی به سر می‌برند و آنگونه که شاخص‌ها نشان می‌دهد مخفیانه به دنبال یافتن یک متحد جدید یا جایگزین احتمالی برای واشنگتن هستند.

علاوه بر کمرنگ شدن اعتماد هم‌پیمانان آمریکا به این کشور، بسیاری شکست واشنگتن در افغانستان را به مثابه «افول امپراطوری» ایالات متحده تعبیر می‌کنند و در میان دوراهی محافظت از ائتلاف خود با آمریکا و یا خروج تدریجی از این ائتلاف قرار گرفته‌اند.

در این چارچوب مرکز مطالعاتی خاورمیانه در مقاله‌ای اشاره می‌کند که خطرات جنگ سرد میان آمریکا و چین برای کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس» بسیار بیشتر از سایر منطقه جهان خواهد بود. در واقع این کشورها باید انتخاب کنند که در کدام جبهه قرار می‌گیرند.

سرنوشت شیخ‌نشینان خلیج فارس در «جنگ سرد» آمریکا و چین / آیا کشورهای عربی منطقه به سمت راهبرد "نگاه به شرق" می‌روند؟

بسیاری از ناظران آمریکایی در صبحت از نقش چین در منطقه، این کشور را به عنوان یک نقطه اختلاف اصلی با کشورهای حوزه خلیج فارس می‌دانند. «جوناثان فولتون» کارشناس روابط چین و خاورمیانه، مناسبات کشورهای خلیج فارس با چین را حصار خوبی برای حاکمان آنها می‌داند. نویسندگان غربی نیز بر این باورند که کشورهای غرب آسیا و به ویژه اعراب هرچند ظاهراً ناچار به حفظ ائتلاف خود با آمریکا هستند؛ اما تمایل بیشتری به اتحاد با چین دارند، چرا که هدف اصلی یکن در همه کشورهای جهان گسترش نفوذ اقتصادی و مبادلات تجاری بوده و برخلاف آمریکا به ساختار سیاسی و امنیتی کشورها کاری ندارد.

اما آنچه اکنون کشورهای حوزه خلیج فارس را سردرگم می‌کند استراتژی مبهم آمریکا در پیوند دادن جنگ سرد با چین و تغییر

ماهیت حضور ایالات متحده در منطقه است. شاید نتوان در حال حاضر از قطب‌بندی میان کشورهای عربی در ائتلاف با آمریکا یا چین صحبت کرد؛ اما آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که شیخ نشینان خلیج فارس همانگونه که در دوره «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده به فکر همگرایی با چین افتادند، اکنون نیز حامیان ائتلاف با چین در میان این کشورها بیشتر از مخالفان آن است.